

توسعه در کردستان: توسعه ناموزون در حین تغییرات هویتی

حسن رشیدی^۱

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۸/۱۱/۱۵)

چکیده

پژوهش حاضر، از دیدگاهی جامعه‌شناختی، به مطالعه توسعه اقتصادی-اجتماعی و هویت جمعی در کردستان با روش نظریه زمینه‌ای پرداخته است. بررسی‌های اولیه میدانی پنج حوزه زیر را برجسته‌تر نمود: سلطه هویت غربی بر عناصر هویت سنتی، بازسازی هویتی و عام‌شدن نسبی آن، بروز شواهد توسعه ناموزون، توسعه ناهمگون، و تقویت هویت کردی.

محقق پس از تلخیص، اصلاح و بازسازی داده‌ها، فرآیندهای گذگاری (باز، محوری و انتخابی) را انجام داده و ۸۸۳ مقوله جزء و ۲۷۹ مقوله عمده استخراج کرده و در نهایت ۳۷ مقوله به‌دست آمده است. عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و راهبردهای کنش و پیامدهای کنش، پس از بازگشت‌های لازم به افراد، گروه‌ها و نخبگان و انجام اصلاحات و دقت‌ورزی‌ها، به‌دست آمده است. در نهایت، پدیده اصلی «بروز ظاهری عناصر توسعه در حین تغییرات بنیادین در هویت سنتی» و یافته نظری تحقیق، یعنی «توسعه بحران‌زا و شکل جدید هویتی» متجلی شده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی-اجتماعی، کردستان، هویت، نظریه زمینه‌ای.

۱. محقق و دکترای جامعه‌شناسی @yahoo.com55hasanrashidi

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸: ۵۷-۸۰

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، نظام سرمایه‌داری^۱ با استفاده از روابط قدرت اقتصادمحور و با بهره‌گیری از فناوری ارتباطات، جهانی‌شدن همه‌گیر را ذیل عنوان توسعه اجتماعی-اقتصادی^۲ به صورتی مرکز محور (ملی، منطقه‌ای و جهانی) اعمال می‌کند و دگرگونی‌هایی در همه ابعاد زندگی اجتماعی پدید می‌آورد. به علاوه، بستری برای فرهنگ‌های خاص، بومی و محلی نیز فراهم می‌کند (رابرتسون،^۳ ۱۹۹۵: ۴۳) تا از مرزهای محلی فراتر روند؛ بدین‌گونه، اشکالی از تعامل و کشمکش ظاهر می‌شود که در طیفی میان این دوگانه هویتی قابل تعریف است. با ورود عناصر مدرن، بسیاری از ساختارهای سنتی محلی‌زدایی شده و رویکردهای بازاندیشانه بر آنها حاکم شده است. این وضعیت متعارض تقابل معنایی بین هویت سنتی و هویت مدرن به بحران هویت انجامیده است (رابرتسون، ۲۰۰۳: ۴؛ وینکن^۴ و استر،^۵ ۱۹۹۲: ۳۴؛ شوی،^۶ ۲۰۰۸: ۱۲۰-۱۲۸).

پیامدها و راهبردهای کنشی نیت‌مند به بازآفرینی ارزش‌های سنتی منجر شده و اشکال جدیدی از کارکرد هویت‌سازی و هویت‌بخشی شکل گرفته است. این تغییرات در ایران از دوره صفویه^۷ و قاجاریه^۸ آغاز شد، در دوره پهلوی^۹ به صورت جدی‌تر و منسجم‌تری پی گرفته شد و در دوره جمهوری اسلامی، تحولات و نوسان‌های شدیدی پدید آورد که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: دولتی‌شدن گسترده عرصه‌های اقتصادی، وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله، فرار سرمایه‌های خصوصی از کشور، خارج‌شدن یا کنار گذاشته‌شدن نیروی انسانی متخصص، و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران.

هویت سنتی کردها نیز از تغییرات تازه مصون نمانده و امروزه ماهیتی دیگرگونه یافته است که پیامدهای آن به صور مختلف در جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جلوه‌گر شده است. از جمله این پیامدها، تقویت گرایش‌های ناسیونالیستی است که جنبش‌های هویت‌طلبانه‌ای را از دوره‌های قاجار و پهلوی در بسترهای ملی، منطقه‌ای و جهانی در پی آورده

۱. Capitalism

۲. Socio-Economic Development

۳. Robertson

۴. Vinken

۵. Ester

۶. Xue

۷. البته، برنامه‌ها به سرانجام نرسید و اصلاحات تا دوره قاجاریه به تأخیر افتاد.

۸. اقداماتی که عباس میرزا، میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار صورت دادند.

۹. شکل‌گیری دستگاه بوروکراسی مدرن، تأسیس سازمان برنامه و بودجه و تهیه و اجرای برنامه‌های هفت‌ساله عمرانی.

است و وقایع سیاسی در دوره معاصر، از جمله تشکیل جمهوری مهاباد^۱ (۱۳۲۴ش-۱۹۴۶م) و کشمکش‌های حزبی اوایل انقلاب هم از آن دسته است. این حوادث، در کنار جنبه‌های عینی اجتماعی مبنی بر تمایلات دوگانه حفظ هویت سنتی گُردی از یک طرف و پذیرش عناصر هویت مدرن غربی از جانب دیگر، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای را رقم زده است که این تحقیق درصدد بررسی جوانب تکوین و تداوم آن در گُردستان بعد از انقلاب سال ۵۷ است. تحقیق حاضر درصدد پاسخ به سؤالاتی درباره عینیت حادث‌شده توسعه و هویت گُردی، تغییرات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... پیامدها و راهبردهای کنش ایجادشده در جامعه تحت مطالعه است تا در نهایت به پدیده اصلی که یافته‌ای نظری است دست یابد.

ملاحظات نظری

روش‌شناسی این مقاله (GT^۲) بهره‌گیری از الگوی نظری را مجاز نمی‌داند، در این زمینه نظریات روستو^۳، مارکسیسم^۴ و تقسیم‌بندی‌ای ذیل مکاتب توسعه وجود دارد بر این اساس نظریات نوسازی (کلاسیک و جدید)، اِکلا^۵ و ابستگی (کلاسیک و جدید) و جهانی‌شدن، به چندوچون پروسه توسعه در جوامع در حال توسعه پرداخته‌اند. نوسازی کلاسیک (۱۹۵۰)، متأثر از دیدگاه تکاملی و کارکردگرایی پارسونز، دربرگیرنده فرآیند مرحله‌به‌مرحله و روبه‌پیشرفت برای توسعه است (برنشتاین،^۶ ۲۰۰۲: ۱۴۳-۱۴۵؛ تیریکیان^۷ ۲۰۰۱: ۲۸۹) و حوزه‌های اجتماعی، روانی و اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. نظریه نوسازی جدید بر مبنای سه

۱. پس از سقوط امپراتوری عثمانی و سلسله قاجار و رشد جهانی ناسیونالیسم و به تبع آن دولت - ملت‌ها در سطح جهان، ناسیونالیسم گُردی نیز به معنای مدرن آن شکل گرفت (کوچرا، ۱۳۷۳: ۲۲۰؛ صمدی، ۱۳۷۳: ۱۵۱؛ بلو، ۱۳۷۹: ۵۵). ناسیونالیسم گُردی در دوره مذکور با تأسیس یک جمهوری خودمختار گُردی به مدت یک‌سال نمایان شد. برای مطالعات تکمیلی در این باره مراجعه کنید به:

(Entesar, ۱۹۷۱), (Edmonds, ۱۹۹۶), (Ciment, ۲۰۱۱), (Aziz, ۲۰۱۱), (Arfa, ۱۹۶۶), (Natali, ۲۰۰۵), (Natali, ۲۰۰۶), (McKiernan, ۲۰۰۶), (Jabar, ۲۰۰۶), (Hassanpour, ۱۹۹۲), (Romano, ۲۰۰۶), (Tugdar & Serhun, ۲۰۱۸), (Vali, ۲۰۰۳), (Van Bruinessen, ۲۰۰۶), (Yildiz, ۲۰۰۶ & ۲۰۰۷)

۲. Grounded Theory

۳. W.W. Rostow، توسعه را دارای مراحل ضروری در گذار جوامع سنتی می‌داند.

۴. بر روابط نابرابر اقتصادی میان شمال و جنوب و مشکلات گسترش کاپیتالیسم تمرکز دارد.

۵. Economic Commission of Latin America (ECLA) در قالب "کمسیون اقتصادی آمریکای

لاتین" وابسته به سازمان ملل متحد

۶. Brenstein

۷. Tyriakian

قاعده اساسی شکل گرفته است: ۱. ناهمگنی درونی جوامع غربی و سنتی. ۲. عدم تعین و فقدان وضوح تاریخی در مفهوم جامعه سنتی. ۳. فقدان دلیلی برای این خوشبینی که نوسازی در آینده موفق خواهد شد. ولی، در نهایت، با تشخیص ناکارآمدی این نظریه‌ها برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته، و با انتقاد از تقسیم کار کهنه جهانی، دیدگاه اِکلا بر محور تأکید بر نقش تقاضا، از جانب اقتصاددانان توسعه در آمریکای لاتین^۱ شکل گرفت و سیاست "جایگزینی واردات" و راهبرد "توسعه درون‌زا" مطرح شد (سو، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

با بروز بحران در مارکسیسم ارتدوکس در کشورهای آمریکای لاتین و افول مکتب نوسازی، در اوایل دهه ۱۹۶۰، اِکلا نیز شکست خورد و مکتب وابستگی پدید آمد. نظریه پردازان وابستگی را وضعیتی اقتصادی و تحمیل شده از بیرون تلقی می‌کنند که دارای عناصر مهمی^۲ است (ازکیا، دانش‌مهر و احمدرش، ۱۳۹۲). در پی انتقاداتی که بر نظریه وابستگی کلاسیک وارد شد، نظریه پردازان وابستگی جدید، با در نظر گرفتن فرآیند خاص تاریخی، داخلی و سیاسی-اجتماعی برای وابستگی، سعی کردند روندها و پیامدهای مثبت وابستگی و نفوذ سرمایه‌داری را نیز در نظر بگیرند (محمدپور، ۱۳۸۳: ۲۳۴-۲۳۶).

امانوئل والرشتاین^۳ با طرح دیدگاه نظام جهانی در دهه ۱۹۷۰ و با رویکرد نئومارکسیستی، بر ناکارآمدی دیدگاه وابستگی برای سرمایه‌داری و صورت‌بندی آن تأکید کرد. از نظر او، اقتصاد جهانی سرمایه‌داری بستر اجتماعی جهانی است و خط سیر اقتصاد جهانی پویاتر از خط سیر امپراتوری جهانی است که بر قدرت اتکا دارد؛ زیرا مناسبات رقابتی میان تعداد زیادی از دولت‌ها آن را رقم می‌زند (سو، ۱۳۸۸).

متغیر دیگر تحقیق، یعنی هویت جمعی، به شیوه‌هایی اشاره دارد که به واسطه آنها، افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷۱). پرچم‌دار نظریه هویت اجتماعی مید^۴ است که فرآیند دست‌یابی فرد به احساس و برداشتی کامل از خویشتن را بررسی می‌کند (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۳). از نظریات موجود درباره هویت برمی‌آید که تعلق^۵ و تعهد^۶ اجزای اصلی مفهوم هویت هستند. کاستلز این تعلق و

۱. راثول پریش، سلسو فورتادو و اسوالدو سونکل

۲. تجارت نابرابر مرکز با پیرامون؛ ساختار سرمایه‌داری مستلزم مبادله نابرابر، توسعه ناموزون، نابرابری اجتماعی و سلسله‌مراتب سلطه.

۳. Immanuel Walerstein

۴. George Herbert Mead

۵. Belonging

۶. Ommitment

تعهد را همچون فرآیند ساخته شدن معنا برپایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، تعریف می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۹). با آگاهی از رویکردهای مختلف به نظریاتی که به مبحث هویت پرداخته‌اند، در جدول ۱، چارچوب کلی برخی از آنها آمده است:

جدول ۱. چارچوب کلی سه رویکرد (سنتی، مدرن، پسامدرن) به هویت

مکاتب فکری	سوژه	نوع هویت	منابع هویت	مکان و فضا	زمان	رویکرد
- باورهای عامیانه - غیرعلمی - دینی و ماورائی	- فراتاریخی - فرازمانی - جوهر ثابت	- جوهر ثابت و پایدار، تابع قدرت - از پیش تعیین شده - شخصی و ازلی گرا	- آداب و رسوم، دین و ساختارها - نیاز به شناخته شدن	- هویت مکان مند - سرزمین محور - عدم جدایی فضا و مکان	گذشته	سنتی
- کنش متقابل - نمادین - ساختارگرایان - مارکسیسم	- تعامل و معنایابی سوژه با ساختارهای اجتماعی	- ساختارمند، تابع شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی - هویت جمعی (ملی و...) و فردی	- سوژه (فاعل شناسا) - عقل دوراندیش - اصلاح دین - انقلاب‌های علمی	- پیدایی دولت - ملت‌ها - سرزمین‌های با مرزهای رسمی	حال	مدرن
- پساساختاری - انتقادی - روان‌کاوی - پسا‌رویدی	- بازنمایی‌های مختلف - تفسیرهای متوالی و متکثر	- هویت‌های باز و متکثر - متضاد و خاص گرا - چندپاره و سیال - تابع گفتمان	- کنش‌ها و فرهنگ‌های خرد و محلی - دستاورد گفتمان	- گسست مکان و فضا	آینده	پسامدرن

(منبع: تلخیص از تاملینسون، ۲۰۰۳؛ نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۴۲؛ کاستلز، ۱۳۸۹ و ۲۰۱۱؛ محسنی و دوران، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

هرچند این تحقیق در نهایت به ارائه دستاورد نظری پرداخته است، به نظر می‌رسد که چشم‌انداز نظری کیفی و دیدگاه‌هایی که توجه هم‌زمان به عناصر محلی/جهانی و خرد/کلان را در تحلیل پیش نظر قرار می‌دهند، با نتایج این تحقیق قرابت بیشتری داشته باشند؛ نظریاتی چون نظریه‌های روانی-اجتماعی نوسازی، دگرگونی ارزشی اینگلههارت،^۲ تفهیمی وبر^۳ و مدرنیته بازاندیشی شده گیدنز^۴ (۱۹۹۳)، به‌علاوه اندیشه

۱. Tomlinson
۲. Inglehart
۳. Weber
۴. Giddens

نظریه‌پردازانی چون خوندکر^۱ (۲۰۰۴: ۴؛ ۲۰۰۵: ۱۱)، رودومتوف^۲ (۲۰۰۳: ۳۷)، فدرستون^۳ (۱۹۹۰: ۱۸). کاستلز^۴ نیز، از این دیدگاه، جهان-محلی شدن را معطوف به امکان هم‌زیستی و دیالکتیک عناصر جهانی و محلی می‌داند و معتقد است که بازسازی هویت سنتی با تلفیق عناصر جهانی و محلی، هویت‌های چندبُعدی به جای یک هویت واحد و منسجم را ایجاد کرده است و در عصر رسانه‌ها و گذار به جهانی شدن زمان و مکان، مرزها نفوذپذیرند و شبکه‌های اجتماعی گسترش یافته‌اند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۹).

در اینجا، لازم است به اندیشه پساتوسعه‌گرایی^۵ اشاره شود. این اندیشه، که حاصل رنجش بیش‌ازحد از توسعه و شکاف‌هایی در مبانی فکری مدرنیستی توسعه است و از پسااختارگرایی و پسامدرنیسم متأثر است، مدعی است که توسعه به مقصود خویش دست نیافته و مفهومی خودسرانه است که در یک فراروایت ریشه دارد و منافع تحمیل شده از طرف غرب^۶ را برآورده می‌کند و مایل به همگن کردن فرهنگی^۷ است. علل حمله به توسعه و برنامه‌های آن را این‌گونه بیان کرده‌اند: الف) علاقه به جایگزین‌هایی برای توسعه، ب) علاقه به دانش محلی و بومی، ج) موضع انتقادی نسبت به گفتمان علمی، د) دفاع و ارتقای جنبش‌های مردمی کثرت‌گرا (اسکوبار،^۸ ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵؛ کوتاری،^۹ ۱۹۸۸؛ رهنما،^{۱۰} ۱۹۹۷؛ ریست،^{۱۱} ۱۹۹۰؛ ساچس،^{۱۲} ۱۹۹۲؛ سیبروک،^{۱۳} ۱۹۹۳؛ راپلی،^{۱۴} ۲۰۰۴: ۳۵۰؛ کنستانتینو،^{۱۵} ۱۹۸۵).

۱. Khondker
۲. Roudometof
۳. Featherstone
۴. Castells
۵. Postdevelopment
۶. Westernization
۷. Homogenization
۸. Escobar
۹. Kothari
۱۰. Rahnema
۱۱. Rist
۱۲. Sachs
۱۳. Seabrook
۱۴. Rapley
۱۵. Constantino

پیشینه پژوهش

محمدپور و رضایی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعات گُردشناسی در ایران»، به بررسی مطالعات متعدد درباره گُردها پرداخته‌اند. از نظر آنها، زمینه اجتماعی این مطالعات حوزه‌ها و جوانبی دارد و تحقیقاتی که در حوزه توسعه صورت گرفته است، تأثیر مدرنیزاسیون را بر زندگی اجتماعی بررسی کرده و اغلب از رویکرد نظری نوسازی بهره برده است. مطالعاتی که در حوزه هویت انجام شده‌اند، بر تأثیر مدرنیزاسیون بر وضعیت هویت قومی، ملی و هویت گُردی در ایران تمرکز دارند. حوزه جمعیت‌شناختی این مطالعات با رویکرد اثباتی به مقایسه گُردها با اقوام دیگر پرداخته و عناصر نابرابری و تبعیض اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مطالعه کرده است. حوزه جنسیت و زنان، آسیب‌های اجتماعی زنان را بررسی کرده است. به علاوه، این مطالعات واجد حوزه‌های جامعه‌شناسی تاریخی و تکنوگاری‌های شهری نیز هستند (محمدپور و رضایی، ۲۰۱۷: ۱۷۲-۲۰۸). با در نظر گرفتن کیفی بودن روش تحقیق و تمرکز تحقیق بر جامعه گُردستان، در جدول ۲ مقایسه برخی از آن تحقیقات با تحقیق حاضر آمده است:

جدول ۲. پیشینه تحقیق

عنوان تحقیق	محقق / محققان	روش تحقیق	نتایج تحقیق	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
فرآیند و پیامدهای نوسازی در گُردستان ایران: مطالعه شهرستان سردشت از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰	محمدپور	تلفیقی نوسازی	تأثیرگذاری همه‌جانبه از مدرنیسم نقش دولت در تغییرات ایجادشده جامعه جهانی در مرحله جهانی‌سازی، درمقابل جامعه سردشت در مرحله گسترش نوسازی ارتقای معیشتی، افزایش امید به زندگی	روش تحقیق (نظریه زمینه‌ای) استعمار در نقش دولت	فاکتورهای ارتقایافته زیستی بروز بحران‌ها جایگاه جامعه تحت مطالعه
مطالعه تأثیرهای نوسازی بر نظام خانواده و خویشاوندی در دو سطح عینی- ساختاری و ذهنی-معنایی در بین ایلات منگور و	محمدپور صادقی رضایی پرتوی	ترکیبی کیفی	بروز تغییرات و ایجاد بحران خانواده از نظر ساختاری، کارکردی و معنایی- تفسیری در معرض تغییرات نسبی تأثیر شهرنشینی، آموزش مدرن و رسانه‌های ارتباطی بر تضعیف ابعاد خانواده سنتی و پیدایش شکل مدرن آن در حین استمرار ساختار ایلی و سنتی خانواده و خویشاوندی	تغییرات خانواده نقش رسانه‌ها و خانواده وجود دو پیامد متعارض و همزمان نگاه‌داشت و تغییرات	روش تحقیق تمرکز بر خانواده تأکید بر ساختارها و کارکردها

عنوان تحقیق	محقق / محققان	روش تحقیق	نتایج تحقیق	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
گورک مهاباد				هویتی	
تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان	احمدرش	نظریه زمینه‌ای	تغییرات متعدد و متنوع ذهنی-عینی ایجاد برخی سنت‌های امروزی و نو امروزی و نوشدن برخی سنت‌های قدیمی	روش تحقیق ایجاد هویت جمعی تلفیقی	تمرکز بیشتر بر مناطق روستایی و نظریه نوسازی
مطالعه جامعه‌شناختی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی جهان-محلی شدن و پیامدهای آن بر هویت قومی در کردستان ایران	عبداللهی	ترکیبی کیفی	روابط متقابل و روزافزون عناصر محلی و جهانی مواجهه الگوهای فرهنگی و هویتی با چالش تبعیض و مقاومت توسط فرآیند ملی و جهانی بازاندیشی در هویت سنتی بازسازی صنایع محلی بازپیکربندی سنت	اعمال همزمان تبعیض آمیز ملی و جهانی نوسازی عناصر هویت‌ساز هویت پیوندی	بروز چالش نه بحران بازسازی صنایع محلی تأکید زیاد بر هویت تلفیقی
به‌کارگیری روش ترکیبی جهت سنجش پیامدهای ورود تکنولوژی و صنعت به مناطق کردنشین جنوب آذربایجان غربی	توکل سحابی	ترکیبی متوالی-تیبینی نظریه زمینه‌ای	بستر ورود تکنولوژی بخش‌های خصوصی، دولتی و تعاونی، احتمال بیشتر پذیرش تغییرات ارزشی-هنجاری در نظام کارخانه‌ای، تفاوت در جنسیت موجب تفاوت در احتمال پذیرش تغییرات ارزشی-هنجاری است، عدم تأثیر تک‌عاملی خاستگاه مکانی در پذیرش تغییرات	تغییرات کیفی و چندجانبه هویتی	تأکید بر اقتصاد احتمالات پذیرش و طرد ارزش-هنجاری روش ترکیبی متکثر

(احمدرش، ۱۳۹۱؛ عبداللهی، ۱۳۹۲؛ توکل و سحابی، ۱۳۹۲؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۷) این تحقیق در نهایت پدیده مرکزی و نظریه زمینه‌ای را مجزا از نظریات موجود و متناسب با جامعه تحت مطالعه ارائه داده است.

روش‌شناسی

تحقیق کیفی تلاشی است جهت توصیف غیرکمی حوادث و گروه‌های اجتماعی، با توجه به جزئیات و نیز سعی برای ارائه تعبیر و تفسیر معنایی که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند. نظریه زمینه‌ای روشی پژوهشی برای تولید نظریه است که با توجه به گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده است و در طول تحقیق رشد می‌کند و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (استراس و کوربین، ۱۹۹۸: ۲۷۳؛ فرونزگوسی، فرونزوسی^۱: ۱۹۹۸: ۵۱۷). این تحقیق با بهره‌گیری از رویکرد نظریه زمینه‌ای و با استفاده از مصاحبه نیمه‌باز و عمیق داده‌ها انجام شده است. جامعه تحت مطالعه شهرستان مهاباد است که ۲۰۱ روستا و پنج منطقه شهری دارد. روستاها و مناطق شهری با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، و جمعیت نمونه به روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند. افزایش اعتبار با توجه به روش فلیک (۱۳۸۷: ۴۱۰)، با «باورپذیر کردن گزینشی» صورت گرفته است و با نقل قول‌های پذیرفتنی، متن‌ها مستدل شده است. برای سنجش اعتبار^۲ و پایایی^۳ از روش زاویه‌بندی^۴ استفاده شده است.

پرسش‌نامه‌های باز با پانزده پرسش طراحی شد و پرسش‌نامه نهایی سیزده سؤال داشت و در پنج حوزه با بیش از ۲۰۰ نفر و گروه مشارکت‌کننده، مطالعه صورت گرفته است. محقق با بهره‌گیری از تجربه زیسته افراد نمونه و تجربیات تحقیقی قبلی و با مدد مشارکت‌کنندگان متناسب با هر قشر، به پی‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داده است.

جامعه مورد مطالعه

گردهای ایران در سراسر کشور پراکنده‌اند، ولی کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و ایلام، مهم‌ترین استان‌های گردنشین محسوب می‌شوند. هرچند مهاباد در گذشته از حوزه تابعه گسترده‌تری برخوردار بوده،^۵ امروزه این شهرستان در استان آذربایجان غربی واقع شده و

۱. Fronzosi

۲. Validity

۳. Reliability

۴. زاویه‌بندی (Trangulation) یکی از محبوب‌ترین راهبردهای اعتبارسنجی در پژوهش کیفی است که همگرایی مبتنی بر یافته‌های خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریه‌ها، رویکردها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی است (ایمان و محمدپور، ۱۳۸۵: ۶۹).

۵. محدوده استحضاطی شهرستان مهاباد تا قبل از سال ۱۳۲۲، شهرهای امروزی بوکان، نقده، اشنویه، میاندوآب، شاهین‌دژ، تکاب، سقز، بانه، سردشت، پیرانشهر، اشنویه و نقده را شامل بوده است که به‌ندرت و در طی نزدیک به

مشمول بر هفت بخش و دو شهر است. این شهرستان نیز چون بقیه شهرهای ایران از حوالی سال‌های ۱۳۰۰ به بعد، در چهره شهر، به معنای مدرن، ظاهر و به منزله محور زندگی اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود. ظواهر توسعه و شهرنشینی در مهاباد نیز پس از اصلاحات ارضی، از شهرنشینی سنتی به شهرنشینی سریع گذار کرده است.^۱

یافته‌ها: تجزیه، تحلیل و تفسیر آنها

پس از تدقیق، تلخیص، اصلاح و بازسازی مفاهیم، در نهایت نه سؤال و چهار حوزه استخراج شد.

جدول ۳. مفاهیم، مقولات جزء و عمده به تفکیک ابعاد مطالعه شده

ردیف	حوزه مطالعه شده	مفاهیم	مقولات جزء	مقولات عمده
۱	سلطه هویت غربی بر عناصر هویت سنتی	۱۹۰	۶۰	۷
۲	بازسازی هویتی و عام شدن نسبی آن	۴۳۳	۱۳۷	۹
۳	بروز شواهد توسعه ناموزون	۱۹۷	۶۲	۱۷
۴	توسعه ناهمگون و تقویت هویت کردی	۶۳	۲۰	۴
	جمع	۸۸۳	۲۷۹	۳۷

مقوله‌های آغازین و حوزه‌های تحت مطالعه با مشارکت‌های فردی و گروهی^۲ پدیدار شدند و با مشارکت‌های نهایی و سپس گدگاری جملات و پاراگراف‌ها و نیز پرسش‌ها، مقایسه‌ها و مراجعه مکرر به داده‌ها، مفاهیم و جامعه تحت مطالعه ساخته شده است. «به دلیل تداوم مطرح شدن سؤال تا آخرین مراحل مطالعه است که صاحب نظران معتقدند تعداد شرکت کنندگان در روش نظریه زمینه‌ای، تا آخرین لحظه قابل پیش‌بینی نیست» (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). در واقع، این حالت رفت و برگشت به میدان تا آخرین لحظه‌ها ادامه داشته است.

۵۰-۶۰ سال بیشتر این شهرها از آن منفک شده است (مینورسکی، ۱۹۵۷؛ دمورگان، ۱۳۳۹؛ کوچرا، ۱۳۷۳: ۲۲۰؛ بلو، ۱۳۷۹: ۵۵).

۱. با سرمایه‌داری ناقصی که بعد از اصلاحات ارضی رواج یافت، ارتباط پویا بین روستا و شهر گسیخته شد و شیوه‌های سنتی صنایع دستی و بومی و هزاران شغل حاصل از آن نابود شد (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۷). در مهاباد، شکل‌گیری بازارچه کالاهای وارداتی و کارخانه‌های و بازار کالاهای دست دوم (تاناکورا) جایگزین این شیوه‌های اشتغال سنتی و دستی شد.

۲ Focouse Group

بخش اول: فرآیند مفهوم‌سازی (گذاری باز)

مفهوم‌پردازی اولین قدم در تجزیه و تحلیل است؛ برای آن، موارد مشاهده‌ای، جمله‌ای و پاراگرافی به اجزایی تقسیم می‌شوند و بر هر کدام از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها نامی نهاده می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۶۳). برخی از شواهد این فرآیند را در ادامه می‌آوریم:

سلطه هویت غربی بر عناصر هویت سنتی

غرب «عنوانی است دال بر یک حیات نفسانی واحد و یک فعالیت خلاقه خاص و مشخص با تمام اندیشه‌ها، طرح‌ها، تأسیسات و نهادهای مربوط» (هوسرل، ۱۳۸۲: ۶۳). می‌توان گفت که «در چهارصدسال اخیر، همسان با توان و قدرت سیاسی غرب، توان و قدرت فرهنگی و علمی غرب نیز از غرب جغرافیایی به شرق جغرافیایی عالم منتقل شده است» (داوری اردکانی، ۱۳۷۶: ۶).

محمود، ۳۳ ساله، معتقد است: «کمرنگ شدن ارزش‌های بومی، هیچ‌انگاشته شدن ارزش‌های اجتماعی ما، ماحصل غلبه فرهنگ غربی بوده است». یک روستایی می‌گوید: «در فرهنگ جدید، فضایل اخلاقی چون ریش‌سفیدی، رفت‌وآمد خویشاوندی، و حتی پوشش و... جای خود را به مدهای روز داده‌اند» (زن، ۴۷ ساله). از نظر او، «لباس گردی از بین رفته است». می‌توان ادعان کرد که فضای فکری حاکم بر جامعه تحت مطالعه، حاکی از تضعیف عناصر سنتی هویت گردی است و نمادهای اساسی آن از زبان، آداب‌ورسوم، آگاهی تاریخی، پوشاک، غذا، و بسیاری دیگر تضعیف شده است. البته، همچنان که در بخش‌های دیگر تحقیق مفصل‌تر اشاره خواهد شد، بیشتر این عناصر بازسازی، بازآفرینی و بازاندیشی شده‌اند.

بازسازی هویت و عام‌شدن نسبی آن

داده‌های تحقیق اشاره‌های بسیاری به مفهوم بحران در حوزه‌های ذیل دارد: "عرصه‌های اقتصادی"، "ایفای نقش دولت"، "افول اخلاقیات و معنویت"، "خانواده"، "اختلال در روابط اجتماعی"، "بحران ارزش‌ها"، "اختلال در روابط دولت و هویت‌های محلی"، "مهاجرت" و... در مواجهه با این مسائل و بحران‌هاست که کنش‌های بازسازانه و بازنگری‌های هویت‌مآبانه از جانب کنشگران، نخبگان، روشنفکران و گروه‌های مرجع آغاز می‌شود و مسیر عمومی شدن می‌پیماید.

عمر، ۳۸ ساله، معتقد است که «با وجود وضع بد اقتصادی و کج‌فهمی‌های نسل جدید از سنت‌های غنی‌مان، اغلب می‌بینیم که از لباس‌های گردی استفاده می‌کنند». مشارکت‌کننده دیگر در این باره اشاره می‌کند که خوشبختانه، علاوه بر بزرگ‌ترها، جوانان نیز پوشاک و رسوم

سنتی را حفظ کرده‌اند و من احساس می‌کنم امروزه تمایل به آن بیشتر شده است (مرد، ۳۱ ساله).

شواهد توسعه ناموزون

«آنچه که تقریباً در نظریه‌های نوسازی کلاسیک و معاصر مشترک است، ادعای مبنی بر گذر از جامعه ماقبل صنعتی به صنعتی است، که آن‌هم منجر به تغییرات اساسی در تجارب روزمره و جهان‌بینی حاکم می‌شود» (اینگلهارت و بکر، ۲۰۰۰: ۳۱). جامعه تحت مطالعه در سده اخیر با مدرنیزاسیون همراه بوده است. در این باره رثوف، ۳۵ ساله، عقیده دارد: «در گذشته باید با داس درو می‌کردیم، امروزه کمباین و وسائل پیشرفته کشاورزی وجود دارد و کار کشاورزی آسان شده است». مشارکت‌کننده دیگر می‌گوید: «توسعه سبب تنوع غذایی شده است و از لحاظ بهداشتی، درمانی و پزشکی، پیشرفت خوبی حاصل شده است» (خانم، ۴۰ ساله). محمدرسول، ۲۸ ساله، می‌گوید: «به لحاظ فرهنگ غذایی، اغلب غذای جدید در کنار اقلام سنتی و محلی به سفره غذایی مردم اضافه شده است».

از نظر یکی از فعالان مدنی، که مردی ۴۴ ساله است، «با وجود تغییر در بخش‌های اقتصادی و تکنولوژی که اغلب نیز مصرفی هستند، نه تولید داخلی، در بخش‌های سیاسی، فرهنگی و فکری جامعه تغییرات منطقی روی نداده است. شیوه تحلیل و قدرت فکری و انتقادی کمتر شده و زیاد نشده است».

یکی از مشارکت‌کنندگان روستایی، که مردی ۳۷ ساله است، چنین بیان کرده است: «هرچند تغییراتی در ابزارهای کشاورزی روی داده است و خانه‌ها نو شده‌اند و حتی روستای ما مدرسه، خانه بهداشت، آسفالت و سایر امکانات را دارد، ولی مردم امروزه کمتر تفکر می‌کنند، گرایش به مطالعه و علم خیلی کمتر شده است».

مشارکت‌کننده دیگر، که مردی ۴۹ ساله است، می‌گوید: «به نظر من، تغییرات به وجود آمده هیچ به درد نمی‌خورد؛ چون فقط اقتصادی و مادی است و مردم به مدرک‌گرایی به جای آموختن علم، و مصرف به جای تولید روی آورده‌اند. اینها مردم را بی‌خاصیت کرده‌اند. نگاه کنید یک حزب سیاسی نداریم». مشارکت‌کنندگان به مفاهیم زیادی از این دست اشاره کرده‌اند که نشان‌دهنده عدم تناسب و توازن بین حوزه‌های این تغییرهاست.

توسعه ناهمگون و تقویت هویت گُردی

اخیراً، جریان غالب توسعه به شدت هدف انتقاد اندیشمندان قرار گرفته است: «ایده توسعه در چشم‌انداز فکری‌اش همچون ویرانه‌ای است و اصحاب توسعه دچار توهم و ناامیدی، شکست، جرم و جنایت شده‌اند و به یک داستان مشترک رسیده‌اند که: توسعه دیگر کارایی ندارد» (ساجس،^۱ ۱۹۹۲: ۱). این نوع نگرش به توسعه، به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، رواج یافته و توسعه پدیده‌ای تحمیلی فرض شده که در پی غربی‌شدن^۲ و همگن‌شدن فرهنگی^۳ است (کنستانتینو، ۱۹۸۵) و به‌صورت دین جدید غرب درآمد (ریست، ۱۹۹۰) و نتایج آن به تخریب محیط زیست منجر شده است (ساجس، ۱۹۹۲). بنیادهای اقتصادی توسعه، که ذاتی جریان مسلط آن بوده است، فرضی بسیار تقلیل‌گرایانه است. این دیدگاه مستخرج از داده‌های تحقیق، که «تغییرات یک‌جانبه و ناموزون» بوده و «جوانب مختلف جامعه متناسب با هم تغییر نکرده است»، با دیدگاه پساتوسعه‌گرایان همسو است، آنجا که بیان کرده‌اند: ظهور رنجش بیش‌ازحد از توسعه، ویرانه‌ای از این چشم‌انداز فکری ایجاد است (اسکوبار، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵؛ کوتاری، ۱۹۸۸؛ رهنما، ۱۹۹۷؛ ریست، ۱۹۹۰؛ ساجس، ۱۹۹۲؛ سیبروک، ۱۹۹۳؛ راپلی، ۲۰۰۴: ۳۵۰؛ کنستانتینو، ۱۹۸۵).

از نظر روحانی روستا، که مردی ۴۴ ساله است: «امروزه، به‌لحاظ درآمد و امکانات، وضعیت مردم به‌مراتب خوب‌تر شده است، اما تأثیر این وضعیت، غیرمذهبی شدن روحیات مردم بوده است». با توجه به برخی نگرش‌های مشارکت‌کنندگان، برنامه‌های توسعه پیامدهای نامناسبی هم داشته است: «عقلانیت‌زدایی»، «تنزل سطح علمی»، «کاهش تمایل به مطالعه»، «افول مفهوم شهروندی»، «تمایل به بازگشت به هویت باستانی»، «پرننگ‌شدن هویت قومی»، «عدم تناسب با علوم مدرن» و... .

با اینکه مدرنیته و در این مقاله، توسعه اقتصادی اجتماعی شیوه‌های جدید مبتنی بر عقلانیت و حسابگری را بنیان می‌نهد و از تعلقات سنتی فاصله می‌گیرد، گسترش انواع رسانه‌ها، آگاهی از هویت گُردی را افزایش داده است. یکی از مشارکت‌کنندگان، که مردی ۲۹ ساله است، معتقد است: «پوشش، مراسم و سایر سنن گُردی به‌شکل سنتی نمانده است، ولی هنوز از آنها استفاده می‌شود و حتی حس ناسیونالیستی، زبان گُردی و آگاهی‌های تاریخی درباره گُردها افزایش نیز یافته است».

۱. Sachs

۲. Westernization

۳. Homogenization

یک روزنامه‌نگار، که مردی ۳۲ ساله است، می‌گوید: «آگاهی مردم از طریق رسانه‌ها و منابع در دسترس بیشتر شده است و با توجه به اینکه سطح تحصیلات و شهرنشینی و رسانه‌ها رشد پیدا کرده است، نوعی آگاهی و اهتمام برای یادگیری زبان مادری بیشتر شده است.»

با استخراج مفاهیم و مقوله‌ها، می‌توان به این استنباط رسید که امکانات و زمینه‌های "تقویت هویت کردی" ایجاد شده و به علت نبود زمینه‌های مشارکت سیاسی، اغلب به شکل فعالیت‌های مدنی، فرهنگی و ادبی نمایان شده است.

مفهوم قابل بحث دیگر "ارتقای جایگاه کردها در منطقه" است و به نظر می‌رسد که وقایع اخیر در کشورهای منطقه بر آن تأثیر مثبت گذاشته است و امروزه در هر چهار کشور (ترکیه، عراق، سوریه و ایران) مسئله کُرد برجسته‌تر شده است. ریبوار، ۲۸ ساله، از اهالی روستاهای مسیر سردشت (از عشیره منگور)، می‌گوید: «با مدرن شدن و پیشرفت، ارتباطات آسان شده و روابط تسریع شده است، تعامل کردهای دیگر کشورها برای دید و بازدید یا تجارت و کار نیز فزونی یافته است.» پس از دسته‌بندی، ادغام، بازبینی، مراجعه مجدد به افراد و گروه‌های تحت مطالعه، مقولات جزء و عمده به صورت ذیل بیان شده است:

جدول ۴. مقولات عمده استخراج شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی، پیامدی

ردیف	حوزه تحت مطالعه	مقولات جزء	مقولات عمده	نوع مقوله (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)
۱	سلطه هویت غربی بر عناصر هویت سنتی	جهانی شدن (کلان شدن) هویت سنتی (غلبه هویت غربی و تضعیف هویت سنتی)	تضعیف عناصر هویت سنتی	زمینه‌ای
		بیگانگی از فرهنگ سنتی و غلبه هویت غربی		پیامدی
		کمرنگ شدن سبک زندگی سنتی (غربی شدن)		پیامدی
		ناآگاهی به هویت سنتی		پیامدی
		کم‌اهمیت شدن بنیان‌های خانواده		زمینه‌ای
		تضعیف اقتصاد بومی		تعاملی
		تضعیف زبان کردی		پیامدی
۲	بازسازی هویت و عام شدن نسبی آن	بحران در عرصه‌های اقتصادی	هویت بحرانی	پیامدی
		بحران در ایفای نقش دولت		تعاملی
		افول اخلاقیات و معنویت		زمینه‌ای
		بحران در خانواده		پیامدی
		کم شدن روابط اجتماعی		تعاملی
		اضمحلال ارزش‌ها		پیامدی
		اختلال در روابط دولت و قومیت‌ها (مردم)		تعاملی

توسعه در گُردستان: توسعه ناموزون در حین تغییرات هویتی

ردیف	حوزه تحت مطالعه	مقولات جزء	مقولات عمده	نوع مقوله (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)
۳	بروز شواهد توسعه ناموزون	بحران هویت سنتی		پیامدی
		مهاجرت بی‌رویه و حاشیه‌نشینی		تعاملی
		عمران و آبادانی	بروز شواهد توسعه ناموزون	پیامدی
		ترقی اقتصادی، تکنولوژی، اشتغال و درآمد		پیامدی
		تغییر سبک زندگی (غربی شدن خوراک، پوشاک و...)		پیامدی
		مدرن شدن و گسترش حمل‌ونقل و ارتباطات		تعاملی
		حضور اجتماعی زنان		زمینه‌ای
		کاهش جمعیت		پیامدی
		گسترش رسانه‌ها و ارتباطات		پیامدی
		ارتقای توجه به حقوق کودکان		پیامدی
		ناآگاهی به ماهیت دموکراسی		تعاملی
		کم شدن عقلانیت، علم و آگاهی		پیامدی
		تمایل به پیشرفت و موفقیت		زمینه‌ای
توسعه ناهمگون و تقویت هویت کُردی	توسعه ناهمگون و تقویت هویت کُردی	تقویت عناصر هویت سنتی	توسعه	
ارتقای آگاهی هویت‌مدار		پیامدی		
جهانی شدن و فرصت برای هویت کُردی		زمینه‌ای		
ارتقای جایگاه کردها در منطقه		زمینه‌ای		

استخراج مقوله‌ها از شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه‌ها، راهبردهای عمل/تعامل و پیامدهای به‌کارگیری راهبردها، پس از تطبیق‌های لازم و مداوم، به استخراج مقوله‌های اصلی انجامیده است.

بخش دوم: فرآیند ساخت مقولات اصلی و فرعی (گذرداری محوری)

گذرداری محوری با توجه به الگوی پارادایمی صورت می‌گیرد و این الگو در روش نظریه زمینه‌ای، سلسله روابطی است که میان زیرمقوله‌ها و مقوله اصلی برقراری شود و مطابق نظر استراس، واجد شرایط علی^۱، پدیده یا مقوله محوری^۲، زمینه یا شرایط مداخله‌گر^۱ شرایط

۱. Causal Conditions مجموعه شرایطی است که سبب پیدایش پدیده می‌شود.

۲. Core Category محور بر مقوله‌ها رخدادی است که مفاهیم و حادثه یا ایده، آن ایجاد می‌شود.

میانجی،^۲ راهبردهای کنش،^۳ و پیامدها^۴ است. «ماهیت گذار از محوری، مشخص کردن یک مقوله و شرایطی است که به بروز آن مقوله می‌انجامد، زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده است و همچنین راهبردهای کنترل و نظارت بر آن مقوله و پیامدهای آن است» (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۸). خلاصه‌ای از الگوهای پارادایمی تحقیق در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. گذار از محوری

پذیرش/مقاومت	پدیده	شرایط
<p>راهبردها: رجحان ارزشی هویت غربی؛ کاهش توانایی و مقبولیت عناصر هویت سنتی؛ عدم استفاده رسمی از زبان کردی؛ سلطه علم و فناوری غربی در مراکز آموزشی و فرهنگی؛ حسابگر، اقتصادی و مادی‌تر شدن مردم؛ سلطه رسانه‌های غربی</p>	<p>سلطه هویت غربی بر عناصر هویت سنتی</p>	<p>علی: گسترش رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی؛ تغییرات ارزشی، تکنیکی، فنی و صنعتی؛ گسترش آموزش مدرن (آموزش و پرورش و آموزش عالی)؛ گسترش سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی</p>
<p>پیامدها: همزمانی دو پدیده جهانی و کلان‌شدن هویت غربی در حین تضعیف هویت سنتی بیگانگی روزافزون از فرهنگ سنتی و غلبه هویت مدرن ناآگاهی به هویت سنتی کردی کم‌اهمیت‌شدن بنیان‌های سنتی خانواده، به‌روزر نبودن و ضعف اقتصاد محلی، تضعیف زبان کردی</p>	<p>عناصر هویت سنتی</p>	<p>زمینه‌ای: جامعه شهری و روستایی/ میزان/ شدت/ دوره زمانی بعد از انقلاب ۵۷ واسطه (مداخله‌گر): افول ارزش‌های سنتی، مقبولیت عام‌تر فرهنگ غربی، ورود تکنولوژی‌های جدید، کاربردی و به‌روزتر بودن عناصر هویت غربی در برابر عناصر سنتی</p>
<p>راهبردها: عرصه اقتصادی، مربوط به ایفای نقش دولت آسیب‌ها: مسائل مربوط به: خانواده، روابط اجتماعی، اختلال در روابط دولت و قومیت‌ها، هویت سنتی کردی افول اخلاقیات و معنویت مهاجرت بی‌رویه و حاشیه‌نشینی</p>	<p>بازسازی هویت و عام‌شدن نسبی آن</p>	<p>علی: تغییرات در: شرایط کار و شغل، خانواده، تعامل بین فردی و گروهی، ازدیاد قدرت دولت، نظام سلطه (رسانه‌ای، علمی و...) ضعف گروه‌های مرجع، رسانه‌ها و خودباختگی فرهنگی و استعمار در کردستان</p>

۱. Intervening Conditions نشان‌دهنده شرایط ویژه‌ای است که پدیده در آن قرار دارد. زمینه شامل خصایص مقوله (پدیده) نیز می‌شود.
۲. Context Conditions زمینه ساختاری گسترده‌ای است که پدیده در آن رخ می‌دهد و بر چگونگی واکنش یا پیامد آن مؤثر است.
۳. Strategies در یک زمینه و با شرایط میانجی مشخص، مجموعه مشخصی از راهبردها امکان‌پذیر می‌شود.
۴. Consequences هر کنش و اقدامی پیامدهایی دارد.

توسعه در گُردستان: توسعه ناموزون در حین تغییرات هویتی

پذیرش/مقاومت	پدیده	شرایط
		زمینه‌ای: جامعه شهری و روستایی/ میزان/ شدت/ دوره زمانی بعد از انقلاب ۵۷
پیامدها: اقتصاد نامتناسب و ناکارآمد، تضعیف سرمایه اجتماعی، بروز مسائل مختلف در خانواده، تشدید مسائل پیش‌روی دولت (قومیتی، مشارکت، مشروعیت و...) افزایش حاشیه‌نشینی و مسائل تابعه آن		واسطه (مداخله‌گر) افزایش جمعیت جوان، شرایط تاریخی-سیاسی، جغرافیای مرزی، تحولات منطقه‌ای و جهانی کردها و سیاست‌های دولت در قبال آنها
راهبردها: گسترش شواهد مدرنیته: فردگرایی، مادی‌گرایی، مشارکت اجتماعی، قانون مدنی، مشارکت اجتماعی و همچنین تحولات عمرانی-آبادانی، فناوری‌های صنعتی، تکنولوژی حمل‌ونقل، ارتباطات و رسانه‌ها ارتقای سبک زندگی (تغذیه، تفریح، بهداشت و...)، ارتقای جایگاه زنان و کودکان در جامعه و تضعیف دین و خرافات‌زدایی	بروز شواهد توسعه ناموزون	علی: ایجاب‌های دوگانه و نامتناسب جهانی‌شدن و هویت سنتی، مجریان ناکارآمد (ناآگاهی نظری، ناتوانی عملی و...)
پیامدها: توسعه یک‌جانبه و ناموزون اقتصادمحور، تکنولوژیک، صنعتی و... سبک زندگی دوگانه (سنتی-مدرن) و بعضاً نامتناسب شکل‌گیری و گسترش ناموزون ارتباطات، حمل‌ونقل و رسانه‌ها ارتقای حضور و کنشگری اجتماعی زنان، تمایلات غیرشفاف برای پیشرفت و ترقی، بدون لحاظ الزامات هویتی		زمینه‌ای: جامعه شهری و روستایی/ میزان/ شدت/ دوره زمانی بعد از انقلاب ۵۷
		واسطه (مداخله‌گر): رسانه‌ها و ارتباطات، تغییر سبک زندگی، اقتضات منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، ناآگاهی از الزامات توسعه
راهبردها: تمایل و اقدام برای حفظ هویت سنتی، تأثیرات مدرنیته بر کردستان، فرهنگ سیاسی در کردستان، ارتقای آگاهی تاریخی و قومی-زبانی، جهانی‌شدن اقتصاد فرهنگ، توسعه روابط با گُردهای کشورهای همسایه	توسعه ناهمگون و تقویت هویت گُردی	علی: شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی کردها، شیوه تعامل دولت، نوع عملکرد احزاب و تشکل‌های فعال و شکل‌گیری هویت مقاومت
پیامدها: تقویت عناصر هویت گُردی، ارتقای		زمینه‌ای: جامعه شهری و روستایی/ میزان/ شدت/ دوره زمانی بعد از انقلاب ۵۷

شرایط	پدیده	پذیرش/مقاومت
واسطه (مداخله‌گر): تفاوت‌های هویتی با جوامع مجاور، روحیه حق‌خواهی، ریشه‌های تاریخی و جمعیت جوان		آگاهی‌های هویتی، فرصت‌های نوپدید برای هویت‌گردی و ارتقای جایگاه‌گردها در منطقه

بخش سوم: فرآیند ساخت و ارائه نظریه زمینه‌ای (گذگاری انتخابی)

«در آخرین مرحله از گذگاری (گذگاری انتخابی)، از میان مقوله‌ها، مقوله محوری انتخاب می‌شود و حول آن نظریه‌ای ارائه می‌شود» (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۱۸). مقوله اصلی در این تحقیق پس از تکمیل، اصلاح و ادغام کردن مقولات و زیرمقولات گذگاری انتخابی، بر ۲۷۹ محور استخراج شده و در نهایت ارتباط مقوله مرکزی با مقوله‌های فرعی در یک مدل پارادایمی مفهوم‌پردازی شده است:



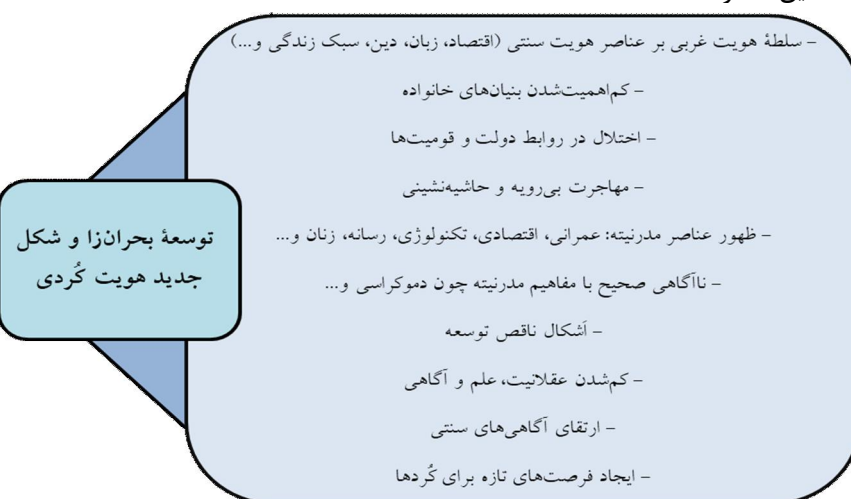
نمودار ۱. مدل پارادایمی توسعه

بدین گونه، شاهد "بروز ظاهری توسعه در حین بحران در هویت سنتی" هستیم که به منزله پدیده مرکزی تحقیق از اشکال ناقص، ناکارآمد و ناموزون توسعه در جامعه تحت مطالعه سربرآورده است، که ریشه در عواملی زیر دارد: "فقدان آگاهی صحیح از توسعه" و "بی توجهی به ضرورت های محلی و بومی" ریشه دارد و با مقوله هایی چون "ایجاب های بومی/ هویتی توسعه"، "ناهماهنگی فرهنگ بومی با تغییرات لازم برای توسعه"، "فقدان توانایی انطباق توسعه با موقعیت بومی" و "تضادها و تفاوت های هویت بومی با الزامات تحقق توسعه".

نتیجه گیری

بسط روزافزون روابط سرمایه داری و ظهور تغییرات بنیادین در سبک زندگی، تغییراتی در عناصر هویت سنتی ایجاد کرده است و پیامدهای بحران آمیزی در ارکان زیست جهان فرد گرد در پی داشته است. به عبارتی، عینیت دوگانه و تعارض آمیزی حادث شده است که جوانب بازاندیشانه آن، قرین اشکال جدید هویت گردی شده است و جوانب محافظه کارانه آن نیز در راستای مشروعیت و قدرت هدایت گری سنت ها و ارزش های سنتی قرار دارد. این وضعیت کنشگران را به بازاندیشی و معنابخشی جدید واداشته است.

استخراج مفاهیم از داده ها تا اشباع نظری ادامه یافته است. پس از مقوله بندی، و تجزیه و تحلیل مفاهیم، با مقایسه مداوم و دسته بندی آنها، رابطه هایی بین مقوله های پیرامونی نمایان شد و در نهایت از تلفیق مدل های حاصل از گدگذاری محوری، مدل نهایی ذیل پیرامون مقوله مرکزی تحقیق ظاهر شد.



نمودار ۲. مدل نهایی پژوهش

تغییر ذائقه‌های فردی و اجتماعی، اقتضائات منطقه‌ای و جهانی، شهرنشینی فزاینده در کنار روحيات نوپديد فردگرایی، محاسبه‌گری، مادی‌اندیشی و مصرف‌گرایی، بستری برای تغییرات متکثر اجتماعی شده است که مظاهر عینی آن در آبادانی، معماری، فناوری‌ها، مشاغل، سبک زندگی (تغذیه، خوراک، تفریح، رفاه، بهداشت)، ارتباطات، مشارکت اجتماعی، دین، و موقعیت زنان و کودکان قابل مشاهده است.

داده‌ها حاکی از کمرنگ‌شدن پدیده‌ها و روابط سنتی در عرصه‌های مختلف ("اقتصاد"، "اخلاقیات و معنویت"، "خانواده"، "روابط اجتماعی"، "ارزش‌ها"، "روابط دولت و قومیت‌ها" و...) و مبین سمت‌وسویی است که با مفهوم "بحران هویت" مشخص شده و انفعال عناصر هویت سنتی جامعه تحت مطالعه را نمایان ساخته است. در عین حال، داده‌های زیادی به زنده و پویابودن آن پدیده‌ها و روابط سنتی در بین کنشگران اشاره دارند. بر این اساس است که شاهد بازاندیشی به‌روز کنشگران هستیم که بر هویت سنتی گردی مبتنی است و با استناد به داده‌های تحقیق، علل ذیل برای این تغییر شایان ذکر است: "بایسته‌های محلی و منطقه‌ای"، "شیوه تعامل دولت‌های مرکزی" در کنار روحياتی همچون "حق‌خواهی"، "مطالبه‌گری"، "عدالت‌طلبی" و تداوم قدرت هدایت‌گری "تعلقات بنیادین به عناصر هویت گردی" در میان کنشگران؛ و پیامدهایی چون "تقویت عناصر هویتی" (زبان، پوشاک، خوراک و...)، "ارتقای آگاهی‌های هویت‌ساز"، و "جهانی‌شدن برخی عناصر هویت سنتی".

در نهایت، می‌توان از قرابت نتایج تحقیق با گزاره‌های اندیشه پساتوسعه سخن راند که طبق آن، رنجش وافر از توسعه، مدرنیزاسیون و نوسازی مشهود است و امید کمتری به برآمدن آمال وجود دارد. این امر به ظهور پدیده‌هایی در زمینه هویت جمعی می‌انجامد که با مفاهیمی چون "فقدان آگاهی صحیح درباب توسعه"، "ایجاب‌های هویتی توسعه" و... بیان شده‌اند و اشکال ناقص توسعه را، همچون توسعه یک‌جانبه، برون‌زا، نامتوازن و... نشان می‌دهند.

منابع

- احمدرش، رشید (۱۳۹۱) تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن (نوسازی) به کردستان (مورد مطالعه: جامعه روستایی موکریان)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی، و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۰) روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه منبایی، تهران: کیهان.

- ازکیا، مصطفی، حسین دانش‌مهر، و رشید احمدرش (۱۳۹۲) توسعه و مناقشات پارادایمی جدید، تهران: کیهان.
- استراس، آنسلم، و جولیت کوربین (۱۳۸۷) اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایمان، محمدتقی، و احمد محمدپور (۱۳۸۵) «فرآیند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی، مطالعه موردی: شهرستان سردشت»، نامه انسان‌شناسی، شماره ۵: ۱۱-۳۹.
- بلو، ژویس (۱۳۷۹) بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی مسئله کرد، ترجمه پرویز امینی، تهران: نشر شالوده.
- بهتویی، حیدر (۱۳۸۵) کرد و پراکندگی او در گستره ایران زمین، تهران: گستره.
- توکل، محمد، و جلیل سبحانی (۱۳۹۲) «بهبکارگیری روش ترکیبی جهت سنجش پیامدهای ورود تکنولوژی و صنعت به مناطق کردنشین جنوب آذربایجان غربی در ایران»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره اول، شماره ۲: ۱-۲۲.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵) فراز و فرود جنبش کردی ۱۳۵۷-۱۳۶۷، تهران: لوح فکر.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- حسامیان، فرخ و همکاران (۱۳۸۳) شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۶) «پرسش غرب»، مجله فرهنگ، شماره ۲۴: ۱۷-۱.
- دمورگان، ژاک (۱۳۳۹) جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: چاپخانه شفق.
- سو، آلوین (۱۳۸۸) تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صمدی، سیدمحمد (۱۳۷۳) تاریخچه مهاباد، مهاباد: مؤلف.
- عبداللهی، عادل (۱۳۹۲) مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی جهان-محلی شدن و پیامدهای آن بر روی هویت قومی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منطقه هورامان تخت)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- فلیک، اوه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران: نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن روحانیان، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: طرح نو.
- کوچرا، کریس (۱۳۷۳) جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: آگاه.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶) جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نی.
- محسنی، منوچهر، و بهزاد دوران (۱۳۸۳) «مروری بر نظریه‌های هویت»، در: نخستین همایش جایگاه آموزش و پرورش در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان ایرانی در آستانه هزاره سوم، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- محمدپور، احمد، و مهدی رضایی (۱۳۸۷) «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای»، *مجله جامعه‌شناسی ایران* (۱) ۹: ۳-۳۳.
- محمدپور، احمد و همکاران (۱۳۸۷) «سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تغییرات خانواده در میان ایلات منگور و گورک شهرستان مهاباد»، *خانواده‌پژوهی*، سال پنجم، شماره ۱۹: ۳۱۰-۳۳۳.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۳) «بررسی جامعه‌شناختی/ تطبیقی فرآیند و وضعیت کم‌توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی در کردستان ایران در دوره‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵»، *زریبار*، ۲۳: ۲۹-۵۵.
- نوروزی، حسینعلی (۱۳۸۵) «نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن»، *مطالعات ملی*، سال هفتم، شماره ۲: ۱۲۷-۱۴۸.
- هوسرل، ادموند (۱۳۸۲) *فلسفه و بحران غرب*، ترجمه رضا داوری و دیگران، تهران: هرمس.
- Arfa, Hassan., (۱۹۶۶) *The Kurds: An Historical and Political Study*, London, Oxford University Press.
- Aziz, Mahir A, (۲۰۱۱) *The Kurds of Iraq: Ethnonationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan*, New York: I.B. Tauris.
- Brenestein, Henry, (۲۰۰۲) "Modernization Theory and The Sociological Study Of Development", *Journal of Development Studies*, Vol. ۷ Issue ۲ : ۱۴۱, ۲۰.
- Castells, Manuel. (۲۰۱۱) *The power of identity: The information age: Economy, society, and culture* (Vol. ۲). John Wiley & Sons.
- Ciment, James., (۱۹۹۶) *The Kurds: State and Minority in Turkey, Iraq and Iran*, New York: Barnes and Noble.
- Constantino, Renato (۱۹۸۵) *Synthetic Culture and Development. Quezon City Philippines*: Foundation for Nationalist Studies.
- Corbin, Juliet., & Strauss, Anselm (۱۹۹۸) "Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques". *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, ۴۱.
- Edmonds, Cecil John (۱۹۷۱) "Kurdish nationalism", *Journal of Contemporary History*, ۶ (۱): ۸۷-۱۰۶.
- Escobar, Arturo (۱۹۹۲) "Reflections on 'Development': Grassroots Approaches and Alternative Politics in the Third World", *Futures* ۲۴(۵): ۴۱۱-۴۳۶.
- Escobar, Arturo (۱۹۹۵) *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Entessar, Nader (۲۰۱۰) *Kurdish Politics in the Middle East*, Lanham: Lexington Books,
- Featherstone, Mike (۱۹۹۰) "Global culture: Nationalism", *Globalization and Modernity* (Vol. ۲). Sage.
- Franzosi Roberto (۱۹۹۸) "Narrative Analysis for Why (and how) Sociologists", Vol. ۲۴.

- Giddens, Anthony (۱۹۹۰) "The Consequences of Modernity Cambridge".
Polity, ۵۳(۸۳), ۲۴۵-۲۶۰.
- Giddens, Anthony (۱۹۹۳) *Sociology*. Wiley. com.
- Hassanpour, Amir (۱۹۹۲) *Nationalism and Language in Kurdistan* ۱۹۱۸-
۱۹۸۵, San Francisco: Mellon Research University Press,
- Jabar, Falah. A. and Hosham D. (eds.) (۲۰۰۶) *The Kurds: Nationalism and
Politics*. London: Saqi.
- Inglhart, Ronald and Baker, Wayne, (۲۰۰۰) "Modernization, cultural change
and the persistence of traditional values". *American sociological review*,
vol ۶۵.
- Khondker, Abibulaque. (۲۰۰۴) "Glocalization as globalization: Evolution of
a sociological concept", *Bangladesh E-Journal of Sociology*, ۱(۲), ۱-۹.
- Khondker, Habibul.Haque (۲۰۰۵) "Globalisation to glocalisation: A
conceptual exploration". *Intellectual Discourse*, ۱۳(۲).
- Kothari, Rajni (۱۹۸۸) *Rethinking Development: In Search of Humane
Alternatives*. Delhi: Ajanta.
- McKiernan, Kevin (۲۰۰۶) *The Kurds: A People in Search of Their
Homeland*, New York: St. Martin's Press.
- Minorsky, Vladimir (۱۹۵۷) "Mongol Place-Names in Mukri Kurdistan",
Bulletin of the School of Oriental and African Studies, London, vol.XIX.
- Mohammadpur, Ahmad, Rezaei, Mehdi (۲۰۱۷) "Kurdish Studies in Iran
Revisited: An Overview of the Theoretical and Methodological
Approaches," *Iran Namag*, Volume ۱: ۱۷۲-۲۰۸.
- Moles, David (۱۹۹۹) "Dependencia and Modernization", In Morrissey, O.
M. Udomkerdmongkol, ۲۰۱۲, *Governance, Private Investment and
Foreign Direct Investment in Developing Countries, World Development*
Vol. ۴۰, No. ۳, pp. ۴۳۷-۴۴۵.
- Natali, Denise (۲۰۰۵) *The Kurds and the State: Evolving National Identity in
Iraq, Turkey and Iran*, New York: Syracuse University Press.
- Natali, Denise (۲۰۱۰) *The Kurdish Quasi-state: Development and
Dependency in Post-Gulf War Iraq*, Syracuse: Syracuse University Press.
- Rahnema, Majid (۱۹۹۷) "Towards post-development: searching for
signposts, a new language and new paradigms", in M Rahnema & V
Bawntree (eds) *The Post-Development Reader*, pp ۳۷۷-۴۰۳ (Cape Town:
David Philip).
- Rapley, John (۲۰۰۴) "Development Studies and the Post-Development
Critique", *Progress in Development Studies* ۴ (۴).
- Rist, G. (۱۹۹۰) Development as the new religion of the West, *Quid Pro Quo*
۱; ۲: ۵-۸.

- Robertson, Roland. & Lechner, Frank (۱۹۸۵) Modernization, globalization and the problem of culture in world-systems theory. *Theory, Culture & Society*, ۲(۳), ۱۰۳-۱۱۷.
- Robertson, Roland (۱۹۹۲) *Globalization: Social theory and global culture* (Vol. ۱۶). Sage.
- Robertson, Roland (۱۹۹۵) Glocalization: Time-space and homogeneity-heterogeneity. *Global Modernities*, ۲۵-۴۴.
- Romano, David (۲۰۰۶) *Kurdish Nationalist Movements: Opportunity, Mobilization and Identity*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Roudometof, Victor (۲۰۰۳) "Glocalization Space and Modernity ۱". *The European Legacy*, ۸(۱), ۳۷-۶۰.
- Roudometof, Victor (۲۰۰۵) "Transnationalism, Cosmopolitanism and Glocalization". *Current Sociology*, ۵۳(۱), ۱۱۳-۱۳۵.
- Sachs, Wolfgang (۱۹۹۲) *The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*. London:Zed.
- Seabrook, Jeremy (۱۹۹۳) *Victims of Development, Resistance and Alternatives*. London: Verso.
- Sirato, Alida Valli. Massimo (۲۰۰۲) "Neo-Marxism: An Attempt at Reformation", *Russia Studies in Philosophy*, Vol ۳۹, No ۴: ۳۲-۵۳.
- Tomlinson, John (۲۰۰۳) *Globalization and Cultural Identity*, ۲۶۹-۲۷۷.
- Tugdar, Emel Elif, Al, Serhun (۲۰۱۸) *Comparative Kurdish Politics in The Middle East (Actors, Ideas, and Interests)*, USA: Springer.
- Tyriakian, Edward. A (۲۰۰۱) "The Civilization of Modernity and Modernity of Civilizations", *International Sociology*, Vol ۱۶: ۲۷۷-۲۹۲.
- Vali, Abbas. (ed.) (۲۰۰۳) *Essays on the Origins of Kurdish Nationalism*, California: Mazda.
- Vali, Abbas. (۲۰۰۳) "Genealogies of the Kurds: Construction of Nation and National Identity in Kurdish Historical Writing" in Abbas Vali (ed.) *Essays on the Origins of Kurdish Nationalism*, California: Mazda Publishers, ۵۸-۱۰۵.
- Van Bruinessen, Martin (۲۰۰۶) "Kurdish Paths to Nation", in Faleh A. Jabar and Hosham Dawod (eds.) *The Kurds: Nationalism and Politics*, London: Saqi, ۲۱-۴۸.
- Vinken, H. & Ester, P. (۱۹۹۲) *Modernization and value shifts. A cross-cultural and longitudinal analysis of adolescents' basic values. Adolescence, Careers, and Cultures*. Berlin/ New York: Walter de Gruyter.
- Yıldız, Kerim. and Tanyel B. Taysi (۲۰۰۷) *The Kurds in Iran: The Past, Present and Future*, London: Pluto Press.
- Xue, Changxue (۲۰۰۸) "A Review of Tomlinson's Views on Cultural Globalization". *Asian Social Science*, ۴(۶): ۱۱۲.